

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نوشته از: میشل چوسودوفسکی و بونی فولکنر
برگردان از: آمادور نویدی
۱۵ اگست ۲۰۱۹



تزلزل در سیاست خارجی امریکا و جنگ بدون متحدان؟

تزلزل در سیاست خارجی امریکا: ناتو و خاورمیانه. چگونه می‌شود بدون متحدان جنگ راه انداخت؟



میشل چوسودوفسکی در زیر درباره تنش اخیر امریکا با ایران در خلیج فارس؛

توانایی ایران به عنوان یک قدرت نظامی؛

تجزیه شورای همکاری خلیج (فارس)؛

پایگاه نظامی ال-اودید در قطر، بزرگترین پایگاه نظامی امریکا در خاورمیانه، و قطر متحد ایران؛

شکست اتحاد ستراتیژیک پیش‌نهادی خاورمیانه، هم چنین معروف به ناتوی عربی؛

کودتای شکست خورده جولای ۲۰۱۶ علیه پرزیدنت اردوخان؛

«اتحاد سه گانه» امریکا/اسرائیل/ترکیه که اکنون به «حسن تفاهم سه گانه» ترکیه/ایران/روسیه تبدیل شده است؛

خرید سپر دفاع راکتی اس ۴۰۰ روسیه توسط ترکیه که بمنزله خروج بالفعل آن از ناتو می‌باشد؛

صف بندی مجدد ژئوپولیتیک خاورمیانه و عکس العمل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، بحث می‌کند.

به مصاحبه زیر به انگلیسی گوش کنید. ترجمه متن مصاحبه در زیر می‌آید.

<https://soundcloud.com/guns-and-butter-1/us-foreign-policy-in-shambles-nato-and-the-middle-east-michel-chossudovsky-409>

رادیو گان اند باتر

چیزی که من فکر می‌کنم مهم است، اینست که، ترکیه به طور بالفعل، دیگر بخشی از سازمان پیمان آتلانتیک شمالی نیست. شما ممکن است که متوجه شده باشید که عکس العمل و اشنگتن و همچنین رسانه ها سکوت مطلق بوده است.

پیامدها بر مجتمع نظامی و صنعتی (امریکا) چشمگیر است و هر اتفاقی که بیفتد، خروج ترکیه از ناتو واقعی است.

و با خروج ترکیه از ناتو، بناگزی عواقبی خواهد داشت و دیگر کشورهای عضو ممکن است که تصمیم به خروج از سازمان پیمان آتلانتیک شمالی بگیرند.

من بونی فولکنر هستم. امروز در رادیو گان اند باتر، میشل چوسودوفسکی شرکت می‌کند. برنامه امروز: **تزلزل در سیاست خارجی امریکا- ناتو و خاورمیانه** است. میشل چوسودوفسکی، اقتصاددان و بنیان‌گذار، مدیر و سردبیر مرکز تحقیقات جهانی سازی است که مستقر در مونترال، کبک کاناداست. او نویسنده یازده کتاب است، از جمله، **جهانی سازی فقر و نظم جهانی نوین، جنگ و جهانی سازی: حقیقت پشت یازده سپتمبر، جنگ امریکا علیه تروریسم و جهانی سازی جنگ، جنگ طولانی امریکا علیه انسانیت.** امروز ما درباره تشنج اخیر امریکا با ایران در خلیج فارس؛ توانایی ایران به عنوان یک قدرت نظامی؛ تجزیه شورای همکاری خلیج (فارس)؛ پایگاه نظامی ال-اودید در قطر، بزرگترین پایگاه نظامی امریکا در خاورمیانه، و قطر متحد ایران؛ شکست اتحاد ستراتیژیک پیش‌نهادی خاورمیانه، همچنین معروف به ناتوی عربی؛ کودتای شکست خورده جولای ۲۰۱۶ علیه پرزیدنت اردوخان؛ «اتحاد سه گانه» امریکا/اسرائیل/ترکیه که اکنون به «حسن تفاهم سه گانه» ترکیه/ایران/روسیه تبدیل شده است؛ خرید سپر دفاع راکتی اس ۴۰۰ روسیه توسط ترکیه که به منزله خروج واقعی آن از ناتو می‌باشد؛ صف بندی مجدد ژئوپولیتیک خاورمیانه و عکس العمل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، بحث می‌کنیم.

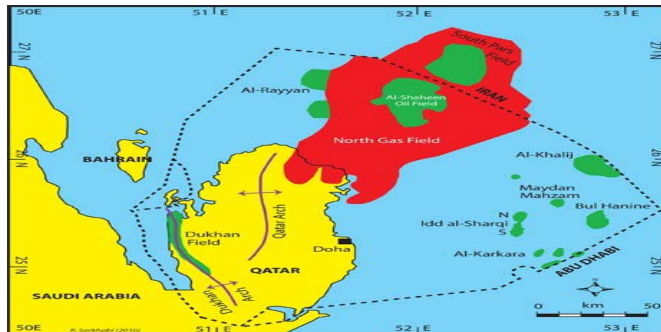
بونی فولکنر: میشل چوسودوفسکی، خوش آمدید.

میشل چوسودوفسکی: صبح به خیر. خوش‌حالم از این‌که در برنامه شما هستم.

بونی فولکنر: در ماه جون، ۲۰۱۹، ایران یک هواپیمای بدون سرنشین (پهپاد) امریکائی را که ادعا می‌کند در حریم هوایی آن‌ها بوده است، سرنگون کرد. این منجر به تهدیدات ترمپ شد. دو روز بعد ترمپ اظهار داشت که جت های

امریکا به سمت اهدافی در ایران می‌رفتند، اما ۱۰ دقیقه قبل از درگیری، او دستور قطع عملیات را صادر کرد. از این بیانیۀ عجیب و غریب، چه برداشتی دارید؟

میشل چوسودوفسکی: خوب، این بیانیه مملو از تناقض است و در واقع، پوشش رسانه‌ئی آن حادثه به نظر می‌رسد که یک عنصر مهم را حذف کرده است، یعنی پایگاه هوایی ال-اودید در قطر که این حملات هوایی از آنجا راه اندازی می‌شد، که شامل ستاد فرماندهی پیشرو سنتکام امریکا، اتفاقاً در کشوری‌ست که نزدیک ترین متحد جمهوری اسلامی ایران، یعنی قطر است. قطر و ایران در بزرگترین پایگاه گاز طبیعی بحری در جهان شریک هستند. این از نظر اقتصادی و انرژی، کاملاً ستراتیژیک است. آن‌ها باهم متحد هستند.



اما به خاطر بسیاری که ستاد فرماندهی سنتکام امریکا، استقرار جت های جنگنده نهبان اف ۲۲ نیروی هوایی امریکا را متعاقب بیانیۀ ترمپ، در خارج از قطر تأیید کرده است. آن‌ها همچنین اظهار داشتند که این امر به خاطر دفاع از نیروها و منافع امریکا در منطقه بوده است.

حال، چگونه است که معماران سیاست خارجی امریکا به خود زحمت ندادند که به ویژه، این پایگاه نظامی را تأیید کنند، که درواقع، مُلک قطر است، که یک امارت می‌باشد و به احتمال زیاد، یکی از بزرگترین عملیات نیروی هوایی (امریکا) بر روی زمین است. من از *واشنگتن پست* نقل قول می‌کنم.

حال، ستاد فرماندهی پیشرو سنتکام خاورمیانه در قلمرو دشمن واقع شده است. اکنون، یا کسانی‌که در وزارت امور خارجه و پنتاگون هستند کاملاً احمق هستند، یا بخوبی از قبل می‌دانند که نمی‌توانند این‌کار را انجام بدهند. این مکان مناسب نیست، بدین دلیل که کشوری‌ست که مملو از تجار، و پرسنل امنیتی ایرانی، روسی و چینی است. قطر دیگر تحت اداره عربستان سعودی نیست. قطر اتحاد خود را با ایران اعلام نموده است. و بعد، با کمال تعجب، شورای آتلانتیک، که اندیش‌کده ای است که با هردو پنتاگون و ناتو رابطه نزدیک دارد، تأیید کرده است که قطر حالا با هردو ایران و ترکیه کاملاً متحد شده است. شما واقعاً نمی‌توانید به این موضوع پردازید. پس این چیست؟ برنامه ریزی درهم و برهم نظامی، سیاست خارجی پیچیده، اطلاعات غیرواقعی؟

من شخصاً معتقدم که هرگز نقشه ای برای راه اندازی جنگ علیه ایران از این ستاد فرماندهی پیشرو سنتکام امریکا در قلمرو دشمن موجود نیست. این یک (امر) غیرممکن‌ست. اما به غیر از این عناصر دیگری وجود دارند. تمام ساختار اتحادهای نظامی موجود امریکا در این‌چنین آشفتگی قرار دارند، که نتایج جنگ متعارف علیه ایران را عملاً غیرممکن می‌سازد.

بونی فولکنر: در آخرین مقاله خود، یک جنگ متعارف بزرگ علیه ایران امکان‌پذیر نیست. بحران در ساختار فرماندهی امریکا (۱)، شما دو منطقه حیاتی دیگر را بررسی کردید که حمله امریکا به ایران را یک ستراتیژی موفق

نمی بیند، برای مثال؛ قدرت نظامی ایران و تحول ساختار اتحاد های نظامی. قبل از هرچیز، شما چگونه ایران را به عنوان یک قدرت نظامی ارزیابی می کنید؟

میشل چوسودوفسکی: ایران دارای توانائی های پیشرفته، و همچنین دارای نیروی زمینی بسیار بزرگی است. ایران کشوری با حدود ۹۰ میلیون جمعیت است. ما با موقعیت عراق سال ۲۰۰۳ سروکار نداریم، کشوری که قبلاً ویران شده باشد. ما با کشوری روبه رو هستیم که دارای قابلیت های پیشرفته ای است، که از جهات زیادی با ترکیه قابل مقایسه است، و متحدان بسیار قدرتمندی دارد. ایران با روسیه متحد است؛ و ما این را می دانیم. درحال حاضر، فکر نمی کنم که روسیه مداخله کند، اما اس ۴۰۰ که اخیراً به ترکیه تحویل داده شده است، قرار است که به ایران نیز تحویل داده شود. این نیز موضوعی است که تحلیل گران نظامی و رسانه های غربی به آن نپرداخته اند.

اگر به سال ۲۰۰۳ برگردید، زمانی که دونالد رامسفیلد یک حمله رعدآسا علیه جمهوری اسلامی ایران را تنظیم کرده بود. خوب، در سال ۲۰۰۳، متعاقب جنگ عراق طرحی وجود داشت، و در ادامه در سال ۲۰۰۵، آن ها چیزی داشتند که نقشه محاصره ایران نامیده می شد. حالا، وقتی که آن ها می گویند محاصره ایران، بدین معناست که کشورهای همسایه پروکسی (نیابتی) های امریکا هستند. آن ها (از امریکا) دستور می گیرند، و یا به ناتو و غیره وصل هستند.

اما حتی همان زمان هم، توصیه امنیت ملی (امریکا) به تعویق انداختن آن جنگ (علیه ایران) بود. شرایط جهت راه اندازی جنگ در سال های ۲۰۰۳-۲۰۰۵ موجود و به نفع امریکا بود. اما حتی آن موقع هم آن ها تردید داشتند، زیرا که ایران دارای توانائی های راکتی، و نیروهای زمینی بزرگ بود، اما علی رغم محاصره، آن ها عملیات نظامی خود را به تعویق انداختند. سناریوهای متفاوتی وجود داشت که برنامه ریزی شده بودند.

اما امروز، اجازه بدهید که به جغرافی یا ژئوپولیتیک این منطقه نگاه کنیم. ترکیه هم مرز با ایران و (عضو) سنگین وزن ناتو است. درحال حاضر ترکیه دارای روابط عالی با ایران، کشور همسایه خود است. این یک اتحاد نظامی رسمی نیست، اما آن ها دارای روابط بسیار خوبی هستند. و ترکیه اکنون به امریکا فهمانده است که شما نمی توانید از قلمرو ترکیه، چه از طریق نیروهای زمینی و چه با نیروی هوایی و غیره، علیه ایران جنگ راه بیندازید.

اما اگر شما به نقشه زیر نگاه کنید، هیچ کشوری وجود ندارد که امریکا بتواند روی کمک آنها حساب باز کند، از جمله عراق. دولت عراق گفته است: «نه، ما به نیروهای امریکائی در عراق اجازه عبور و مرور به سوی مرزهای ایران را نخواهیم داد.»



حالا، محور دیگری که وجود دارد، پاکستان است. تاجائی که ما به خاطر می آوریم، پاکستان چندین سال پیش متحد وفادار امریکا بود، اما دیگر نیست؛ بلکه متحد سرسخت چین است. امریکا نمی تواند در جنگ علیه ایران روی پاکستان حساب کند.

امریکائی ها پاکستان را از دست داده اند. پاکستان دیگر یک متحد نظامی (برای امریکا) نیست. بعداً، شما چندین جمهوری سابق شوروی را دارید، که توافق نامه های همکاری با ناتو، و روابط خوب دوجانبه ای با امریکا داشتند. من درباره آذربایجان فکر می‌کنم. خوب، درست دسمبر گذشته، ایران و آذربایجان باهم توافق نامه های همکاری نظامی امضاء کردند و این بدان معناست که امریکا دیگر نمی‌تواند روی آذربایجان حساب کند. به همین ترتیب، امریکا نمی‌تواند روی ترکمنستان متکی باشد. این غیرممکن است که از طریق افغانستان جنگ (علیه ایران) به راه انداخت، زیرا که طالبان بخش بزرگی از قلمرو ملی (افغانستان) را اشغال کرده اند. بنابراین، جنگ زمینی غیرممکن است و جنگ هوایی متعارف (علیه ایران)، فکر می‌کنم، نیز امکان‌پذیر نیست، زیرا که از نظر فضا هوایی سوالاتی وجود دارد. و ما می‌دانیم که امریکا برای انجام کارهای کثیف بشدت به متحدان خود متکی است. بعدهم، البته، عربستان و کشورهای حوزه خلیج (فارس) هستند، و شورای همکاری خلیج (فارس)، که این شورا تجزیه شده است، و قطر، عمان و کویت حامی عادی سازی روابط با ایران هستند، که در مورد قطر فراتر از این می‌رود. اما آیا امریکا می‌تواند روی کویت و عمان اتکاء کند؟ به هیچ وجه.

از یک‌طرف، عمان دارای روابط بسیار خوبی با ایران است، و همچنین ورود به تنگه هرمز از خلیج عمان به خلیج فارس را کنترل می‌کند. اگر شما به نقشه نگاه کنید، خوب، البته، پاکستان بخشی از بحیره عرب را کنترل می‌کند، و اگر شما به دسترسی بحری و تأسیسات نظامی امریکا در خلیج فارس نگاه کنید، این کار آسانی نیست؛ شما باید داخل و خارج شوید، و باید یا از طریق آب‌های قلمرو ایران، یا آب‌های قلمرو عمان داخل و خارج شوید.



[شورای همکاری خلیج (فارس)]

واکنون با انشعاب از وسط در شورای همکاری خلیج (فارس)، شما چندین کشور، امارات دارید، که از نظر ستراتیژیک به جای امریکا، پشتیبان ایران هستند. و یک بُعد کاملاً ستراتیژیک برای آن وجود دارد، زیرا که برای مثال، امریکا پایگاه‌های نظامی در کویت دارد، پایگاه‌های نظامی در بحرین دارد، و بعدهم البته، همان‌طوری که قبلاً اشاره کردم، امریکا در قطر هم که هم‌آهنگ با ایران است، دارای پایگاه نظامی است. بنابراین، درحالی‌که شورای همکاری خلیج (فارس)، که البته قبل از هرچیز یک پروژه امریکائی است، و در بحران بسر می‌برد، برای امریکائی‌ها خیلی سخت است که یک عملیات بحری اجراء کنند.

عامل دیگر اینست که حدود دو ماه پیش، امریکا حامی پروژه ای بود که ناتوی عربی خوانده می‌شد، و این یک اتحاد ستراتیژیک خاورمیانه‌ئی بود که به اصطلاح قرار بود در ریاض، عربستان سعودی افتتاح شود. این پروژه درواقع، هرگز عملی نشد، زیرا که پروژه ای جهت ادغام شورای همکاری خلیج (فارس) با دو کشور دیگر بود، که اردن و مصر

بودند. اکنون، مصر هم تصمیم گرفته است که کنار بکشد و در واقع، مصری ها این جلسه را که در ریاض برگزار شد و ترمپ حضور داشت، تحریم کردند. این دومین سفر ترمپ به عربستان سعودی بود. اولین سفر ترمپ در سال ۲۰۱۷ بود. و در واقع، در سال ۲۰۱۷، آن‌ها ناتوی عربی را به راه انداختند ولی در واقع آن به چیزی که منجر شد، از هم گسستن شورای همکاری خلیج (فارس) بود و در حال حاضر، این ناتوی عربی عملاً منسوخ شده است؛ این پروژه (امریکائی) کارائی ندارد. هیچ کدام از کشورها شرکت ندارند، به جز امارات و عربستان سعودی، و کل این منطقه هم متحول شده است. حداقل یا در حال بی‌طرفی و عادی سازی روابط خود با ایران هستند، یا مانند مورد قطر، متحد واقعی ایران می‌باشند.

بنابراین، منطقه بسیار آشفته است، و ساختار متحدان از هم گسیخته شده است، و بعد هم سؤال اینست، که شما چگونه می‌توانید جنگی به راه بیندازید، چنانچه متحدانی نداشته باشید؟

بونئی فولکنر: باتوجه به تحول ساختار نظامی متحدان، در ماه مه ۲۰۱۷، شورای همکاری خلیج (فارس) - که متشکل از عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر، بحرین و عمان بود- از هم گسیخته شده است. چه اتفاقی افتاد؟
میشل چوسودوفسکی: این یک مسأله بسیار پیچیده ای است. زمانی که ترمپ بار اول به ریاض رفت، جلسه برگزار شد. من فکر می‌کنم که این در تاریخ ۲۱ ماه مه بود. در ۲۱ ماه مه ۲۰۱۷، یک جلسه امریکائی - اسلامی برگزار شد. باز هم، رسانه ها هرگز واقعاً به شرح وقایع این حوادث مهم و روابط متقابل نپرداختند. اما چیزی که در تاریخ ۲۱ ماه مه ۲۰۱۷ با تأیید مقامات رسمی امریکا اتفاق افتاد، تصدیق پیش‌نهاد اتحاد ستراتیژیک خاورمیانه بود، که متشکل بود از مصر، اردن، به اضافه شش کشور شورای همکاری خلیج (فارس)، یعنی عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین، کویت، قطر و عمان.

بیش‌تر بخوانید: تغییر در اتحادهای نظامی: امریکا علیه ترکیه اعلام جنگ می‌کند؟ (۲)

بنابراین در مجموع، ناتوی عربی به اصطلاح قرار بود که اتحادی از هشت کشور باشد، که بعد بتواند تعهدی داشته باشد و وظیفه اش روشن بود. اساساً این وظیفه مقابله با ایران یا مقابله با نفوذ ایرانیان در خاورمیانه بود. اکنون، چیزی که دو روز بعد در ۲۳ ماه مه ۲۰۱۷ اتفاق افتاد، متعاقب اظهارات ادعاشده امیر قطر مبنی بر حمایت از ایران، عربستان سعودی دستور محاصره و تحریم قطر را صادر کرد و من فکر می‌کنم که این بیانیه صحیح است. قطر خود را با ایران هم‌آهنگ کرد و این ضرورتاً چیزی است که در جلسه ۲۱ ماه مه اتفاق افتاد- عربستان سعودی و امریکا تصمیم گرفتند که قطر را از ناتوی عربی کنار بگذارند.

فکر می‌کنم که نمایش این بود. ما یک ناتوی عربی داریم که از نظر تشریفاتی، این پروژه در ۲۱ ماه مه ۲۰۱۷ اتخاذ شد، با وجودی که می‌دانستند یکی از کشورهای عضو شورای هم‌آهنگی کشورهای خلیج (فارس)، یعنی قطر با دشمن هم‌آهنگ بود، که دو روز بعد محاصره اقتصادی شد. این یک اقدام جنگی بود. این یک محاصره بود که مرزها را بست، مسیرهای هوایی و بحری را مسدود کرد و اساساً قطر را ایزوله کرد.

اما چیزی که اتفاق افتاد، چیزی نبود که آن‌ها می‌خواستند رخ دهد. چیزی که آن‌ها می‌خواستند، این بود که از شش عضو شورای همکاری خلیج (فارس) با پنج عضو از کشورهای عضو برونند، اما چیزی که اتفاق افتاد، این بود که باعث ایجاد بحران در شورای همکاری خلیج (فارس) شد و کویت و عمان با قطر همسو شدند. بنابراین، شورای همکاری خلیج (فارس) از وسط تقسیم شد. و متعاقب آن، ناتوی عربی که نطفه اش در ۲۱ ماه مه ۲۰۱۷ با هشت عضو بسته شده بود، به پنج عضو رسید و سپس، چیزی که اتفاق افتاد آن شد که مصر هم کناره گرفت و اکنون اساساً چهار عضو دارد، که

بخشی از هسته ناتوی عربی هستند، که در واقع، متشکل از عربستان سعودی، امارات، بحرین و اردن هستند. این ها چهار کشوری هستند که سرسختانه پشت ناتوی عربی هستند. دوباره، این یک شکست است، به عبارت دیگر، امریکا، دولت ترمپ، اتحاد شورای همکاری خلیج (فارس) را عملاً در خاورمیانه از دست داده است. و نه فقط این، بلکه پایگاه پیشرو ستاد فرماندهی سنتکام امریکا در قلمرو دشمن قرر دارد. من به آن‌ها تا آنجائی که به سیاست خارجی مربوط می‌شود، (نمره) منفی می‌دهم.

بونئی فولکنز: از آنجائی که قطر و ایران در مالکیت بزرگترین میدان‌های گازی بحری شریک هستند، به نظر من آن‌ها نیاز دارند که بایکدیگر متحد باشند. چه چیزی پشت محاصره (کامل) قطر توسط عربستان سعودی نهفته است؟ آیا عربستان سعودی میدان‌های گازی بحری را می‌خواهد یا به آسانی عربستان سعودی اصرار بر انزوای ایران دارد؟

میشل چوسودوفسکی: من فکر می‌کنم که هدف اصلی این بود که قطر را از ناتوی عربی بیرون کند و شرایطی ایجاد کند، که شاید درون قطر تفرقه ایجاد نماید. من فکر می‌کنم که اولین هدف کوتاه مدت ایجاد تفرقه بود. آن‌ها اشاره کردند که یکی از اعضای شورای همکاری خلیج (فارس) با دشمن هم‌آهنگ است و آن‌ها خیلی سرسخت نیز نشان دادند، که قطر می‌تواند سریعاً به شورای همکاری خلیج (فارس) برگردد و روابط را حل و فصل کنند، اما قطری‌ها اول باید روابط خود با ایران را کنار قطع کنند، که آن‌ها هم هرگز این کار را نکردند.

زیرا که قبل از هر چیز بدین دلیل که ایران با قطر در میدان‌های گاز شمال، میدان‌های گازی شمال و جنوب، مالکیت مشترک دارد. باتوجه به حقوق بحری این (کشور) دارای تقسیمات ارضی است، اما این یک سرمایه‌گذاری مشترک است. مالکیت آن برای دو کشور مشترک است و این خیلی مهم است. بنابراین، از آن‌ها بخواهند که این (مالکیت) را رها کنند، به ویژه پس از بلوکه کردن قطر، فعلاً خیلی بعید است.

من پس از اتفاق ۱۷ ماه مه، چندین بار به قطر رفته ام و می‌توانم بگویم که، قبل از هر چیز، افکار عمومی قطر بسیار ضدسعودی است، حتی اگرچه از نظر فرهنگی نزدیکی هائی دارند و قطری هائی هستند که در عربستان سعودی زندگی می‌کنند. اما به علت رفتار بی‌رحمانه آن‌ها با قطری‌ها، این غیرممکن است که قطر هرگز به اتحاد با عربستان سعودی برگردد.

بنابراین، این نه قطر و مطمئناً ایران هم نیست که منزوی شده است، بلکه این عربستان سعودی است که ایزوله شده است. ایران با چندین متحد وفادار امریکا روابط دوستانه ای دارد. ایران رابطه دوستانه با قطر، و همچنین با عمان و کویت را نیز کسب کرده است، نه این‌که بگوئیم که این‌ها کشور هائی هستند که از نظر ستراتیژیک با ایران متحد هستند، بلکه آن‌ها روابط خوب را ارج می‌نهند و بعدهم اگر به طور وسیع تری نگاه کنید، ایران دارای روابط خوبی با آذربایجان است، روابط خوبی با ترکیه دارد، روابط خوبی با عراق دارد و البته، دارای روابط عالی با پاکستان است. و این مهم است، زیرا که (به خاطر) مسأله بلوچستان، جائی که جنبش جدائی‌طلب وجود دارد. بلوچ‌ها هر دو در ایران و در پاکستان وجود دارند. البته، تحولاتی صورت گرفته است و این بسیار به دلیل این واقعیت است که هر دو کشور اکنون با یکدیگر همکاری می‌کنند.

بنابراین، شرایط این‌گونه است. و مصر، البته، که کشور قدرت‌مندی در خاورمیانه است، اعلام کرده است به اتحادی که علیه ایران است نمی‌پیوندد. نه این‌که بگویم دو کشور دارای روابط خوبی هستند، اما آن‌ها، ایران و مصر دارای روابط عادی هستند. اما مصر قصد ندارد به پروژه امریکا بپیوندد که علیه ایران هدایت شده است.



بونی فولکنر: از آنجائی که پایگا ال-اودید نزدیک دوحه (عکس بالا)، در قطر، بزرگترین پایگاه نظامی امریکا در خاورمیانه است، چرا امریکا یا پرزیدنت ترمپ از محاصره کردن راه‌های زمینی، هوایی و بحری قطر حمایت نمود؟

میشل چوسودوفسکی: خوب، درواقع آن‌ها بدین دلیل که از عربستان سعودی حمایت می‌کنند، از محاصره زمینی، هوایی و بحری قطر پشتیبانی می‌کنند، اما امریکا هنوز روابط تجاری و یک پیمان همکاری نظامی با قطر دارد. درواقع، رفتار امریکا نسبتاً مرموز است، زیرا که آن‌ها یک توافق‌نامه همکاری نظامی جدید با قطر امضاء کرده اند، اما آن‌ها به گونه ای رفتار می‌کنند که گوئی هیچ چیزی اتفاق نیفتاده است. امریکا با قطر یک توافق دوجانبه امضاء کرده است، اما آن‌ها این واقعیت را اعلام نکرده اند که قطر با دشمن هم‌آهنگ است، یا روابطی دارد. امریکا در ارتباط با روابط قطر با ایران هیچ نوع شرطی به قطری ها تحمیل نکرده است. و ترمپ دو سال پیش در اکتوبر ۲۰۱۷، با امیر قطر در مجمع عمومی ملل متحد ملاقات کرد.



می بینید که این یک نوع رابطه بسیار متناقض است. امریکائی‌ها نمی‌خواهند بگویند که ما از قطر خارج می‌شویم و ستاد فرماندهی مرکزی خود را درجای دیگری برپا می‌کنیم؛ آن‌ها نمی‌گویند که این‌کار را می‌کنند. برخی از ساختارهای فرماندهی امریکا انتقال یافته اند، بناچار، و دوباره، ستاد مرکزی در فلوریدا فعالیت می‌کند، اما پایگاه پیش‌رو درخاورمیانه بسیار حیاتی است.

مسأله این‌ست‌که، من فکر می‌کنم که واشنگتن نمی‌تواند تصمیماتی با ماهیت بحث برانگیز اتخاذ کند، که کم و بیش نشان دهد که قطر نقش دوگانه ای بازی می‌کند. قطر میزبان تأسیسات نظامی امریکاست و در همان‌حال روابط بسیار خوبی با دشمن (ایران) دارد. بنابراین، وضعیت چنین است.

متوجه باشید که این نوع طرز برخورد با توجه به حصول اخیر سیستم دفاع هوایی اس ۴۰۰ توسط ترکیه از روسیه آشکار شده است، که معنای واقعی آن اینست که روسیه – ما اکنون این را برای سال‌ها می‌دانیم، اما روسیه و ترکیه اکنون متحدان نظامی هستند، زیرا که سیستم دفاع هوایی به همکاری نظامی در سطح بالا نیاز دارد. شما فقط تجهیزات را نمی‌فروشید، بلکه از نظر آموزش با یکدیگر همکاری و مشاوره می‌کنید، و پشت آن یک ژئوپولیتیک کامل قرار دارد، و چیزی که من فکر می‌کنم مهم است، اینست که از ۱۲ جنوری (۲۰۱۹)، ترکیه به طور بالفعل دیگر بخشی از سازمان پیمان آتلانتیک شمالی نیست.

اکنون، شما ممکنست به یاد بیاورید که واکنش واشنگتن، همچنین رسانه‌ها سکوت کامل بوده است. امریکایی‌ها می‌گویند، «خوب، اگر شما این کار را بکنید، تحریم‌هایی وجود دارند و ما شما را از برنامه جت جنگنده اف ۳۵ که یک برنامه ناتوی است، محروم می‌کنیم.» عواقب آن در مجتمع نظامی و صنعتی قابل توجه است، برای این که اکنون ما رقابت بین امریکا و روسیه را بر سر فروش تسلیحات می‌بینیم. بنابراین، میلیارد و میلیارد دلار سود در خطرست. اما در حال حاضر، فکر نمی‌کنم که امریکا بگوید، «ترکیه، برو گمشو از ناتو». آن‌ها این را نمی‌گویند، اما چیزی که احتمال دارد، اینست که ترکیه می‌گوید، «ما از ناتو خارج می‌شویم»، و هر چه هم که اتفاق بیفتند، ترکیه به طور قطع خارج از ناتوست. حالا، اگر برای مثال بیش‌تر از نقطه نظر داستانی و روابط عمومی بگوئیم که ما هنوز می‌خواهیم که ترکیه در ناتو بماند، و مزاحم (ناتو) نشویم، اما بناچار چنین می‌شود. و با خروج ترکیه از ناتو بناگریز عواقبی وجود دارد و دیگر کشورهای عضو ممکنست که انتخاب کنند که از سازمان پیمان آتلانتیک شمالی خارج شوند. این چیزیست که ما به آن خروج از ناتو می‌گوئیم، که نباید با برگزیت (خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا) اشتباه گرفته شود.

بونی فولکنر: شما می‌نویسید که اتحاد سه گانه امریکا، اسرائیل و ترکیه، اکنون (به) حسن تفاهم سه گانه بین ترکیه، ایران و روسیه (تبدیل شده) است. به نظر می‌رسد که یک تغییر مهم در اتحاد‌های ژئوپولیتیک به وجود آمده است، که شما درست شروع به توصیف آن کرده اید. نیروهای محرک اصلی این تغییر چیست؟



کشتی کوچک ماوی مرمرا بندر را ترک می‌کند

میشل چوسودوفسکی: در گذشته، در دهه ۹۰، اتحادی بین اسرائیل و ترکیه وجود داشت. این اتحادی دوجانبه و بسیار نزدیک بین ترکیه و اسرائیل بود. در حال حاضر، بدون این که وارد جزئیات شویم، این اتحاد از بین رفته است، و در رابطه با اقدامات اسرائیل علیه جنبش همبستگی فلسطین، این اتحاد نیز فروپاشیده است، و به خاطر بیاورید کشتی کوچک ماوی مرمرا را، که توسط نیروهای ارتش دفاع اسرائیل (آی دی اف) مورد حمله قرار گرفت. اما به نظر می‌رسد که آن اتحاد، رابطه دوجانبه بین اسرائیل و ترکیه پایان یافته است.

و هنوز هم بین امریکا و ترکیه رابطه دوجانبه وجود دارد، اما این رابطه نیز در شرایط بحرانی قرار دارد، و اتحاد سه جانبه اسرائیل/ترکیه/امریکا یا امریکا/اسرائیل/ترکیه در واقع، براساس دو توافق دوجانبه جداگانه بنا شده بود. اما حالا مطمئناً لازم به ذکر است که گفته شود، این اتحاد بین ترکیه و اسرائیل تا جایی که علیه سوریه هدف گیری شده بود، خیلی حیاتی بود. این (اتحاد) علیه سوریه و ایران هدایت شده بود، و تبادل اطلاعات و غیره نیز وجود داشت. بنابراین، ما (در) آنجا اساس دیگری داریم.

اجازه بدهید بگوئیم که ما درباره جنگ علیه ایران صحبت می‌کنیم، البته، اسرائیل آشکارا همدست اصلی امریکا و ناتو در آن پروژه هستند. اما اساس دیگری در روابط امریکا و اسرائیل وجود دارد. در واقع، اسرائیل همچنین اتحادی ناگفته و غیررسمی با فدراسیون روسیه دارد و ما این تحول را دیده ایم، به طوری که نتانیاو یک رابطه شخصی با پوتین دارد. من هیچ قضاوتی نمی‌کنم؛ این بسادگی خیلی واقعی است. ما باید درک کنیم که آن‌ها یک رابطه شخصی نزدیک دارند. ما باید همچنین درک کنیم که بسیاری از مقامات ارشد نیروهای مسلح (در اسرائیل) از اتحاد جماهیر شوروی سابق هستند؛ آن‌ها در فدراسیون روسیه خانواده دارند. بنابراین، یک رابطه دوجانبه بین اسرائیل و روسیه وجود دارد که در طول شماری از سال‌ها توسعه یافته است و این به معنای این است که اگر هر نوع درگیری نظامی مستقیم اسرائیل علیه ایران که یک متحد روسیه است، پیش بیاید، ممکن است که بدین جهت مذاکراتی صورت پذیرد. ممکن است که مذاکراتی در سطح خیلی بالای تشکیلات نظامی و اطلاعاتی آن دو کشور انجام گرفته شود. و اکنون، درست چند هفته قبل، مشاوران امنیت ملی امریکا، اسرائیل و روسیه در اورشلیم (بیت المقدس) دیدار کردند. علی‌رغم همه اختلافاتی که بین امریکا و روسیه وجود دارد، مشاوران امنیت ملی گفت و گوهای دوستانه ای داشتند. اما من فکر می‌کنم چیزی که مهم‌تر بود، مذاکره دوستانه بین اسرائیل و روسیه بود.

بنابراین دوباره، اتحادها از نظر تاریخی بین کشورهای مستقل شکل می‌گیرند، اما چیزی هست که ما آنرا اتحادهای متقابل توصیف می‌کنیم. اتحادهای متقابل یعنی این که شما با کشورهایی متحدید که با دشمنان شما در اتحادند. بنابراین، روسیه دارای یک اتحاد متقابل با اسرائیل است و اسرائیل در یک اتحاد با امریکا و ناتو قرار دارد. به عبارت دیگر، سیاست خارجی روسیه در ساختن این اتحادها، و همچنین چین جهت این امر بی‌نهایت هوش‌مندانه است.

بونی فولکنر: شما نوشته اید که از سال ۲۰۰۵، اسرائیل و ترکیه شرکای نزدیکی با امریکا جهت حملات هوایی طراحی شده علیه ایران بوده اند. اگر ترکیه که حالا به طور واقعی از ناتو خارج می‌شود و اتحاد بین ترکیه و اسرائیل از بین رفته است، پس به نظر می‌رسد که این طرح‌های سال ۲۰۰۵ جهت حمله به ایران نیز منسوخ شده اند.

میشل چوسودوفسکی: بله، آن‌ها کاملاً منسوخ شده اند. ترکیه نمی‌خواهد در هر نوع حملات هوایی علیه ایران شرکت کند، زیرا که با ایران یک پیمان همکاری نظامی دارد. به همین سادگی. خوب، من مطمئن نیستم در چه سطحی. و بعد من شخصاً فکر نمی‌کنم که اسرائیل شریک وفاداری باشد که در گذشته در سال ۲۰۰۵ بود. من می‌گویم شریک وفادار امریکا. من به خاطر می‌آورم که در دوران دولت بوش، دیک چینی مطلبی را گفت، «خوب، ما می‌گذاریم که اسرائیل این کار را برایشان انجام دهد»، بنابراین، آن‌ها اسرائیل را ترغیب می‌کردند که در واقع ایران را بمباران کند، البته با اهداف مشخص شده، و بعد هم این را به عنوان ابتکار اسرائیل ارائه می‌کردند، و واشنگتن می‌گفت، «خوب، شما می‌دانید، آن‌ها این کار (بمباران ایران) را برای ما انجام دادند، اما واقعاً، ما از آن‌ها نخواستیم که ایران را بمباران بکنند.» من بیانیه های دیک چینی را در آن زمان به خاطر می‌آورم. اما علی‌رغم گزاره گوئی های ضدایرانی او در

اسرائیل یا توسط رهبران اسرائیلی از جمله نتانیا هو، فکر نمی‌کنم که اسرائیل تحت هر شرایطی اولین گام را در عمل علیه ایران بردارد.

و تا آنجایی که به عملیات گسترده تر دخالت متحدان برمی‌گردد، من فکر نمی‌کنم که این اتفاق بیفتند. اتحادی بین اسرائیل و عربستان سعودی وجود دارد، که در واقع توسط امریکا ساخته شده است و امریکا فکر می‌کند می‌تواند اسرائیل و عربستان سعودی را مجبور کند که به نمایندگی از او علیه ایران حمله کنند. من فکر نمی‌کنم که علی‌رغم اتحاد ناگفته بین اسرائیل و فدراسیون روسیه، چنانچه جنگی علیه ایران رخ بدهد، ایران به اسرائیل حمله کند. آن‌ها (ایرانی‌ها) به تأسیسات امریکا در خلیج فارس حمله خواهند کرد، و این روشن است. که درست در آن طرف خلیج فارس، مسافتی بسیار کوتاه است. مگر این‌که، البته، اسرائیل در بمباران هوایی ایران مستقیماً درگیر باشد، که من فکر نمی‌کنم این اتفاق بیفتد.

برای این‌که به دستور کار پنتاگون برگردیم، در حال حاضر، همان‌طوری که قبلاً ذکر کردم، این خیلی بعیدست که بتوان فراخوان یک جنگ تمام عیار، از نوع حمله رعدآسا به سبک جنگ عراق، افغانستان یا ویتنام داده شود. این خارج از بحث است. اما چیزی که بیش‌تر احتمال دارد، ادامه تشدید تحریم‌ها و همچنین تحریم‌های دیگر و امکان چیزی که پنتاگون می‌نامد، عملیات بینی خونین است، یعنی آن‌ها می‌روند تا اهداف مشخصی را در ایران بمباران کنند، که ممکن‌ست تأسیسات هسته‌ئی باشند. این مطمئناً همین الان در روی میز پنتاگون قرار دارد، اما حتی این، من شک دارم که آن‌ها چنین کنند... خوب، همیشه اشتباهاتی وجود دارد و افرادی مانند پمپئو و بولتون هستند که درک نمی‌کنند یا درک محدودی از مسائل نظامی دارند. من فکر نمی‌کنم که این اتفاق بیفتد، زیرا که ایران بلافاصله شروع به بمباران تأسیسات امریکا در کویت و خلیج فارس می‌کنند. زیرا که عملاً در همسایگی (و تیررس) ایران قرار دارند، و خوب البته که این عمل نیز به طور اجتناب ناپذیری منجر به تشدید (جنگ) می‌شود.

من فکر می‌کنم که ما الان باید درک کنیم که اشتباهات اغلب (عوامل) تعیین کننده تاریخ هستند. ما نمی‌توانیم مانع این واقعیت شویم که ممکن‌ست پمپئو یا بولتون یا ترمپ بگویند، «خوب، بیائید برویم و آن‌ها/ایرانی‌ها را بمباران کنیم» یا اهداف مشخصی را (جهت بمباران) انتخاب کنند. همیشه یک امکان وجود دارد، برای این‌که آن‌ها قدرت تصمیم‌گیری دارند و اساساً عواقب را درک نمی‌کنند یا اهمیتی نمی‌دهند. اما اگر آن‌ها این‌را به سلسله مراتب ارتش و حتی پرسنل اطلاعاتی امریکا ارائه دهند، من فکر می‌کنم که اجماع عمومی این خواهد بود که این عملیات یک خودکشی است، زیرا که شما در یک چنین جنگی پیروز نمی‌شوید. ما دیده ایم که برای مثل، چگونه امریکا در شمال سوریه شکست خورد. امریکا در یمن (هم) شکست خورده است.

من فکر می‌کنم راهی را که اکنون امریکا به آن می‌اندیشد، بیش‌تر نوعی حمایت مستقیم از سازمان‌های تروریستی از جمله (ام‌اِی‌ک)، سازمان مجاهدین خلق ایران [مجاهدین خلق] می‌باشد، که یک نهاد تروریستی است. و فکر می‌کنم این چیزی‌ست که آن‌ها در فکرش هستند.



بونی فولکنر: درباره کودتای جولای سال ۲۰۱۶، علیه اردوخان رئیس جمهور ترکیه چه دانید؟ هم چنین گزارش های گسترده ای بوده است که می گویند این فدراسیون روسیه بود که به موقع به اردوخان خبر داد که از محل اقامت تعطیلات خود فرار کند. بر فرض که این کودتا واقعی باشد و در واقع، امریکا پشت آن بوده باشد، آیا این حادثه می توانست کافی باشد تا اردوخان را علیه امریکا و به سمت روسیه بکشاند؟ و چرا امریکا می خواست از شر اردوخان خلاص شود؟

میشل چوسودوفسکی: خوب، من فکر می کنم که مطمئناً تلاش کودتای ترکیه در جولای ۲۰۱۶، به یک نقطه عطف مهم اشاره داشت. این بلافاصله تقریباً به یک صف آرائی مجدد از اتحادها منجر شد. ما به یاد می آوریم که قبل از کودتا رابطه خصمانه ای بین ترکیه و روسیه وجود داشت، و این واقعیت که ترکیه ورود کشتی های جنگی را به بحیره سیاه تسهیل می کرد. و اردوخان متعاقب کودتا، قبل از هر چیز، فکرمی کنم که در واقع تصمیم گرفت که روابط ترکیه با امریکا را محدود کند. درباره این شکی نیست، و این ترجیحاً بتدریج انجام گرفته است، اما بدون این که وارد جزئیات شویم که چه اتفاق افتاده است، من مطمئناً فکر می کنم، بله، این باعث جدائی شد. و پرزیدنت اردوخان گفت که امریکا در کودتا همدست بود. او این را اعلام کرد. این مربوط به شخصیت فتح الله گولن، کسی بود که ظاهراً پشت کودتای شکست خورده بود. اما درست همان گونه که شما اشاره کردید، من فکرمی کنم که این شروع - خوب، ما درباره یک دوره تقریباً سه ساله حرف می زنیم؛ که در ۱۵ جولای بود، و همین هفته بود. بنابراین، در طول سه سال ساختار اتحادها متحول شده است.

بونی فولکنر: قطعاً، و این جالب است که در واقع، این روسیه بود که به اردوخان درباره کودتا خبر داد... ترکیه قبلاً به یک جت روسیه در آسمان سوریه شکیک کرده و آن را نابود ساخته بود، بنابراین، اگر پوتین پشت خبر دادن به اردوخان باشد، این یک حرکت قشنگ هوش مندانانه از سوی او بوده است، شما فکرمی کنید؟

میشل چوسودوفسکی: من فکر می کنم که پوتین یک سیاستمدار بسیار زیرک با سابقه اطلاعاتی است. او موفق شده است روابط شخصی خوبی با شماری از رهبران (جهان)، از جمله اردوخان داشته باشد. ترکیه را فکرمی کنم، حتی اگر نوعی از کودتا توسط امریکا باشد، من فکرمی کنم، که اساساً منجر به تغییر در اتحادهای ژئوپولیتیک بشود. به نظرم، ترکیه از ابتدای جنگ سرد متحد امریکا بوده است، اما باز، من فکر می کنم که سال ۲۰۱۶ نقطه شروع ساختار جدید اتحادهاست. و توجه کنید که چیزهای زیادی در این (مورد) وجود دارد. درست اخیراً، پرزیدنت اردوخان با رهبران جمهوری های سابق شوروی رایزنی کرد. البته، یک دستور کار در آسیای مرکزی وجود دارد، و پس از آن نیز اکنون ترکیه شریکی ناظر در سازمان همکاری شانگهای است. اکنون اساساً سازمان همکاری شانگهای تحت سلطه دو کشور بزرگ، چین و روسیه است و بعد از این جمهوری های سابق شوروی را دارید. اما اکنون، شماری از کشورها هستند که یا شریک یا ناظر اند، و این در واقع، به سوی تغییر در اتحادها حرکت می کند. آن ها خود را به عنوان یک اتحاد نظامی اعلام نمی کنند، اما در واقع هستند. اعضای سازمان همکاری شانگهای از کشورهای گوناگونی هستند و بعد از آن هم پیمان های نظامی (بین آن ها) وجود دارد، اما از نظر رسمی بخشی از سازمان همکاری شانگهای نیستند.

اکنون، پاکستان یک عضو رسمی سازمان همکاری شانگهای است. هند همچنین یک عضو رسمی است، که به معنای اینست که اگر اختلافاتی بین هند و پاکستان وجود دارد، آن ها باید تحت توجهات سازمان همکاری شانگهای نظارت شوند؛ و این یکی از قوانین آن هاست. بنابراین، دوباره، هردو چین و روسیه اکنون در آسیای جنوبی وارد شده اند. خوب، دولت مودی همان طوری که در هند ایستاده است، در حال ساخت یا بازسازی اتحاد خود با امریکا است، اما این اتحاد با امریکا بسیار ضعیف است، زیرا که اگر تغییری در دولت هند اتفاق بیفتد، در واقع ممکن است که مسیر دیگری

درپیش بگیرد. و آن‌ها در حال ساختن یک اتحاد نظامی با امریکا هستند، درحالی‌که در همان حال هم یک عضو رسمی از سازمان همکاری‌های شانگهای هستند.

بنابراین، این خیلی خیلی گسترده تر است. ساختار اتحادها در حال فروپاشی است. چیزی که در حال آشکار شدن است، راه‌های جدید سرمایه‌گذاری، البته، جاده و کمر بند چین و صف بندی‌های مختلف بسیاری از کشورهایی است که از غرب دور می‌شوند و خود را به پروژه اوراسیائی ملحق می‌کنند. من فکر می‌کنم که دوباره، اگر ترکیه از ناتو خارج شود، تغییرات بیش‌تری در چشم انداز اروپا رخ می‌دهد با کشورهایی که احتمالاً از سازمان پیمان آتلانتیک شمالی خارج شوند.

بونی فولکنر: در مقاله خودتان، با عنوان درحالی‌که راکت‌های روسی به ترکیه وارد می‌شوند، اردوخان از رویکون عبور می‌کند، شما نوشتید که، «خروج واقعی ترکیه از ناتو نشانه‌ای از تغییر تاریخی در ساختار اتحادهای نظامی است، که به طور بالقوه به تضعیف هژمونی امریکا در خاورمیانه کمک می‌کند و همچنین شرایطی ایجاد می‌کند که منجر به تجزیه سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، ناتو می‌شود.» ترکیه چقدر برای بقای ناتو مهم است؟

میشل چوسودوفسکی: خوب، این خیلی مهم است، زیرا که ترکیه پس از امریکا، سنگین وزن ناتو است. نیروهای متعارف ترکیه حتی در مقایسه با کشورهایی مانند المان، فرانسه و بریتانیا قابل توجه هستند. ترکیه دارای بزرگترین نیروهای متعارف سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) است. اگر قرار است که ناتو در جنگ در خاورمیانه به رهبری امریکا درگیر باشد، ترکیه تنها کشور عضو ناتوست که در خاورمیانه پا دارد. و متعاقباً، من دوباره می‌گویم، این برای امریکا خیلی دشوار است که اتحادی منسجم علیه ایران بسازد، که ترکیه در درون ساختار ناتو نباشد.

اگر ما وضعیت ناتو را با توجه به روسیه در اروپای شرقی مقایسه کنیم، بسیار منسجم ترست و قدرت گفتمان منسجم‌تری دارد، اما آن هم می‌تواند ترک بردارند. در درون ناتو نوعی اجماع وجود دارد، اما این یک ابتکار تبلیغاتی است، در واقع، برای این‌که مدام به ما گفته اند که روسیه می‌خواهد بر اتحادیه اروپا حمله کند. مردم هدایت شده اند تا باور کنند که آن‌ها باید در برابر تهاجم روسیه از اتحادیه اروپا دفاع کنند. اما این گفتمان به مراتب در درون چشم انداز اروپا منسجم‌ترست تا در درون دورنمای خاورمیانه. امریکا به شرکای خود در اتحادیه اروپا اتکاء می‌کند، به ویژه المان، فرانسه و همچنین بریتانیا، اما در حال حاضر اوضاع بریتانیا آشفته است. تا آنجائی‌که به ساخت مجموعه‌ای از اتحادها در ارتباط به خاورمیانه برمی‌گردد، آن‌ها گرفتار هستند. و آن‌ها گرفتار هستند، زیرا که ترکیه با دشمن (ایران) هم‌آهنگ است، و اعضای شورای همکاری خلیج (فارس) نیز با دشمن هم‌آهنگ هستند، و پاکستان با دشمن هم‌آهنگ است. بنابراین، موقعیت چنین است.

بونی فولکنر: آیا ما هرگز فهمیده ایم که چرا امریکا می‌خواست اردوخان را عزل کند؟ من هرگز این‌را نفهمیده‌ام.

میشل چوسودوفسکی: اجازه بدهید کمی به عقب برگردیم. این کاملاً به سال‌ها قبل برمی‌گردد. امریکا تعریف جدیدی از مرزهای خاورمیانه در نظر داشت، و آن‌را خاورمیانه جدید می‌خواند. و امریکائی‌ها نقشه‌ای داشتند، که اساساً ساختار شکلی از خاورمیانه را ارائه می‌داد که باید باشد. من فکر می‌کنم که این نقشه برای بار اول منتشر می‌شد... خوب، این بیش از ده سال پیش، در سال ۲۰۰۶ بود. این نقشه توسط سرهنگ رالف پیترز طراحی شده بود، اما در ژورنال نیروهای مسلح منتشر شده بود و در آکادمی جنگ ملی ارائه شد، که برای مقاصد آموزشی به کار گرفته می‌شد. و ظاهراً چیزی که اتفاق افتاد این‌ست که این نقشه نیز در کارگاه‌های ناتو مورد استفاده قرار می‌گرفت. ما در مورد یک

دکترین نظامی صحبت می‌کنیم، زیرا که این نقشه اساساً ترکیه را به دو قسمت تجزیه می‌کند. این نقشه ترکیه و سپس کردستان آزاد را دارد، که کردستان آزاد متشکل شده است از کردهای عراق، ترکیه، و ایران. بنابراین، آن‌ها یک کشور جدید ایجاد کرده اند.



پروژه آمریکا در نهایت برای بالکانیزه کردن خاورمیانه به کشورهای کوچکتر است، چیزی شبیه به آنچه که در بالکان (یوگسلاوی) انجام دادند. به طوری که، شما یک کشور شیعه عربی، یک کشور سنی، کردستان آزاد، و کشور مقدس اسلامی عربستان سعودی و غیره را دارید. این نقشه در حوزه های نظامی کاملاً معروف و تجزیه و تحلیل شده است.



اما خشم اساسی ترکیه از آمریکا اینست که امریکائی ها و ناتو می‌خواستند ترکیه را اساساً تجزیه کنند. اما پروژه اردوخان (کشور) عثمانی بزرگ ترست؛ که گسترش نفوذ ترک ها فراتر از مرزهای ترکیه باشد و مطمئناً هرگونه تجزیه قلمرو ملی ترکیه را قبول نمی‌کند. در واقع، اگر شما به نقشه نگاه کنید- این نقشه آکادمی جنگ آمریکا بود- و آن‌ها ترکیه را به دو نیمه تقسیم کرده اند.

بنابراین، این پیش‌زمینه بود. تُرک‌ها به واقعیت محرم اسرار آمریکا آگاه بودند، و مدارکی هم موجودست که در نهایت نشان‌دهنده نیت آمریکا در تقسیم ترکیه بود، همان‌گونه که یوگسلاوی را در نهایت تجزیه کردند. من فهمیده ام که در یک

مقطع زمانی نقشه به نظر اعضاء یا کارمندان ناتو رسیده است و نمایندگی ترکیه زمانی که این نقشه را دیده، از آن جلسه بیرون رفته است. امریکائی‌ها و ناتو خود رأی بودند و به تُرک‌ها بسیار توهین کرده اند.

بونی فولکنر: میشل چوسودوفسکی، خیلی ممنون.

میشل چوسودوفسکی: متشکرم، خوشحالم، بسیار متشکرم.

من با میشل چوسودوفسکی صحبت کرده ام. برنامه امروز دربارهٔ تزلزل در سیاست خارجی امریکا- ناتو و خاورمیانه بوده است. میشل چوسودوفسکی، اقتصاددان و بنیانگذار، مدیر و سردبیر مرکز تحقیقات جهانی سازی است که مستقر در مونتریل، کبک کانادا است. او نویسندهٔ یازده کتاب است، از جمله، **جهانی سازی فقر و نظم جهانی نوین، جنگ و جهانی سازی: حقیقت پشت یازده سپتمبر، جنگ امریکا علیه تروریسم و جهانی سازی جنگ، جنگ طولانی امریکا علیه بشریت.**

وب سایت Global Research، globalresearch.ca

رادیوی گان اند باتر توسط بونی فولکنر و یارو ماخو و تونی رانگو ارائه می‌شود. جهت گوش دادن به برنامه های گذشته، اظهار نظر به برنامه یا پیوستن به لیست ایمیل ما برای دریافت خبرنامه ما که شامل برنامه های اخیر و به روز شده است از سایت ما دیدن کنید. با ما با ایمیل یا با توئیتر در آدرس های زیر تماس بگیرید:

gunsandbutter.org

faulkner@gunsandbutter.org

Twitter at gandbradio

برگرداننده شده از:

US Foreign Policy in Shambles: NATO and the Middle East. How Do You Wage War Without Allies?

Bonnie Faulkner and Prof Michel Chossudovsky By

<https://www.globalresearch.ca/us-foreign-policy-shambles-nato-middle-east/5684713>

منابع:

(۱)-

<https://amadornavidi.wordpress.com/2019/07/22/جنگ-بزرگ-متعارف-علیه-ایران-غیرممکنست-پ/>

<https://mejalehhafteh.com/2019/07/22/جنگ-بزرگ-متعارف-علیه-ایران-غیرممکن-ست/>

A Major Conventional War Against Iran Is an Impossibility. Crisis within the US Command

Prof Michel Chossudovsky By **Structure**

<https://www.globalresearch.ca/a-major-conventional-war-against-iran-is-an-impossibility-crisis-within-the-us-command-structure/5682514>

(۲)-

Shift in Military Alliances: America Declares War on Turkey? #NATOExit?

https://www.globalresearch.ca/shift-in-military-alliances-america-declares-war-on-turkey-nato-in-disarray/5651137?utm_campaign=magnet&utm_source=article_page&utm_medium=related_articles